

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۱۳ اکتوبر ۲۰۱۸

جامعه آمادۀ هرگونه تغییری است (و نقدی بر نظرات «صلاح مازوجی»)

تحركات رادیکال کارگری و توده‌ئی و دیگر محرومان جامعه ایران، جانی برای سوالات بدون پاسخ، باقی نگذاشته است. دلیل آن بسیار روشن است و این‌که، تضادها به بالاترین حد ممکنه خود رسیده است. فقر و شکاف طبقاتی قابل توضیح و توصیف نیست، نه مردم، حاضر به تن‌دادن به زندگی سابق‌اند و نه حکومت، توان ادامه سیاست‌های دهه‌های گذشته خویش را دارد. اگر نظام به یمن زور و سرکوب بردوام مانده است، علت آن، نه در فقدان یگانگی اعتراضات کارگری و توده‌ئی، بلکه مرتبط به قضیه دیگریست. دو شق موضوع، یعنی هم حکومت و هم مردم، از همدیگر و کاملاً تصفیه حساب نموده‌اند و در این‌میان، شق سوم، از قافله و از قطار انقلاب پس مانده است. ثمره و در حقیقت تأثیرات عقب‌ماندگی آن را می‌توان، هم در حیات بیش از پیش نظام و هم در نافرمانی‌های مبارزات کارگری و توده‌ئی و دیگر ستم‌دیدگان جامعه به‌عینه دید. در حقیقت مشاهده به جنب‌وجوش‌ها و بازخواست‌های مردمی، نماد رشد و شدت‌یابی تضاد، مابین بالائی‌ها با پائینی‌هاست. در این بین، بالائی‌ها به‌جان هم افتاده‌اند و همدیگر را می‌درند و پائینی‌ها، به‌دنبال حقوق به‌غارت برده شده خویش، از زورمداران و حاکمان‌اند. دوران سرنوشت‌ساز اگر نگوئیم دهه‌ها، اما و به جرأت می‌توان گفت که سال‌هاست، در برابر نمایندگان سیاسی اقلیت و طبقات محروم جامعه و دیگر مدعیان دنیای تغییر نظام سرمایه‌داری وابسته ایران قرار گرفته است.

با این اوصاف دو سوی جنگ و تقابل طبقاتی روشن است، می‌باید به‌منظور پاسخ‌گویی به چنین وضعیتی، درجه و حوزه دیگری را گشود تا ماحصل آن را دید. به عبارت دیگر، در و راهروهای سیاسی را باید به‌گونه‌ای دیگر، باز و جست و جو کرد؛ به این دلیل که از همان آغاز، جامعه اعتراضی با سرمایه تعیین و تکلیف نموده است؛ از همان آغاز خلق‌های محروم و ستم‌دیده‌ای همچون کُرد و ترکمن‌صحرا، روبروی نظام و آن‌هم به عالی‌ترین شکل مبارزه به صف شدند؛ از همان آغاز زنان در برابر سیاست حجاب اجباری، ارگان‌های متعدد سرکوب رژیم جمهوری اسلامی را به نبر فراخواندند. و .. بدین‌ترتیب، تحقیر اعتراضات مردمی با هر منطق و شگردی، چیزی جز، کج فهمی به وظایف خویشتن، و مهم‌تر از آن، چیزی جز تحریف جایگاه اعتراضات مردمی در قبال رژیم‌های خشن و مسلحی همچون رژیم جمهوری اسلامی نیست. در بستر چنین حقایقی لازم است تا از گفته‌های دو و یا چندگانه بی‌ربط و ناهمگون، به‌دور شد

و بار مسؤولیت‌ها، و در حقیقت ناکرده‌های خودی را، به‌پای ناری، و یا ناپختگی جنبش‌های اعتراضی نوشت؛ کاری که «صلاح مازوجی» در سالروز "حزب کمونیست ایران" در مقابل خود قرار داده است.

بی‌تردید گفتنی‌ها پیرامون سُخرانی وی زیاد است و می‌توان از هر پنجره‌ای، به‌موضوعات طرح شده و نقطه نظرانش پرداخت که فعلاً از آن‌ها صرف‌نظر خواهم کرد. در هر صورت استفاده از جملات و الفاظی همچون، هم جامعه در حال انفجار است، در دوران انقلاب به سر می‌برد و به سرنوشت‌ساز نزدیک می‌شود، و در همان‌حال، هنوز زمان نبرد نهائی فرا نرسیده است و غیره، بیانگر اغتشاش ذهنی - عملی جریانات و احزابی همچون "حکا" است.

وی در «معنای پیروزی بر جمهوری اسلامی چیست؟» می‌گوید: "جامعه بار دیگر به یک دوره انقلابی و تحولات سرنوشت‌ساز نزدیک می‌شود... به ویژه در شرایط کنونی که جامعه تحت فشار محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی ظرفیت‌های انفجاری پیدا کرده اما دشمن از همین خصلت طبیعی مبارزه به عنوان بهانه و فرصتی برای تحمیل نبردهائی که هنوز زمان آن نرسیده استفاده می‌کند. سیاست دور اندیشانه و رادیکال آن است که این فرصت‌ها به رژیم داده نشود و با اتخاذ تاکتیک‌های سنجیده و طرح شعارهای بسیج‌کننده که ریشه در شرایط کار و زندگی اجتماعی مردم دارد، توده‌های هر چه بیشتری به خیابان و میدان مبارزه با رژیم کشاند. باید توجه داشت که در شرایط کنونی نه کارگران و توده‌های مردم تمام قدرت مبارزاتی خود را به میدان آورده‌اند و نه رژیم کلیه ظرفیت‌های سرکوب خود را به کار گرفته است.... این نگرانی واقعی وجود دارد که جنبش کارگری و توده‌ئی بدون آمادگی احزاب و سازمانهای موجود وارد یک وضعیت انقلابی شوند...". {تأکیدات از من}

بی‌تردید و جدا از چندگانگی در ارائه نظر، ناروشنی‌های بس عظیمی، پیرامون جایگاه و اوضاع اعتراضی طبقات و افشار محروم جامعه، و به ویژه نقش و وظایف نمایندگان سیاسی و یا "احزابی" همچون "حکا"، در قبال جنبش‌های کارگری - توده‌ئی وجود دارد. به هر حال و بنابه گفته «صلاح مازوجی»، پیداست که جامعه بار دیگر وارد دور تازه‌ای از انقلاب و سرنوشت‌ساز شده است، بدون آن‌که، بخواهد علل از دست‌دادن فرصت‌های حیاتی و سرنوشت‌ساز گذشته را، از منظر "حزب"ش، برشمارد و نیز نشان دهد که، نافرجامی‌های تاکنونی، حاصل کدامین سیاست‌ها و اشتباهات تاکتیکی غلط بوده است؟ به هر جهت همه دلواپسی «صلاح مازوجی» در آن است که مبادا، روز و روزگاری، جنبش کارگری و توده‌ئی، بدون آمادگی احزاب و سازمان‌ها، دست به‌کار شوند و وارد مرحله نهائی، یعنی وارد به زیر کشیدن نظام جمهوری اسلامی شوند!

براستی که برگردان ساده و در حقیقت نگرانی وی در آن است که هنوز موقعیت جنبش‌های کارگری و توده‌ئی، با موقعیت سازمان‌ها و احزاب کمونیستی، منطبق و یا همسو نشده است، بنابراین هرگونه تکروری‌های اعتراضی - از جانب کارگران و زحمت‌کشان -، رژیم را جری‌تر خواهد کرد. پس بایست و می‌باید دندان به جگر گذاشت و صبر کرد، تا سو و شوق سَوم، برای "هدایت" آنان، آمادگی لازم را کسب نماید! این‌ها چکیده سُخرانی «صلاح مازوجی» در سالروز "حکا" بوده است.

فارغ از هرگونه برداشت‌ها و استنتاجات ناصحیح، این‌دست سؤالات مطرح است که چرا می‌بایست فرمان ایست مبارزات کارگری و توده‌ئی را صادر نمود و آنان را وادار به فاز پایانی، و یا ورود به موقعیت‌های انقلابی - دیگری - نمود؟ چرا زمان تعرض یک‌پارچه و همگانی فرا نرسیده است؟ مگر بارها و بارها از جانب "حکا" ایران گفته نشده است که رژیم لرزان و در حال سقوط و نابودی‌ست؟ مگر تاکنون و در این چندین دهه، رژیم برای سرکوب اعتراضات کارگری و توده‌ئی، در پی بهانه برای پس زدن آنان از مطالبات بدیهی و پایمئی‌شان بوده است؟ مگر و تاکنون هزاران اعتصاب و اعتراض مسالمت‌آمیز کارگری را با زور و با قلدری تمام پاسخ نداده است؟ آیا تعرض دائم و وحشیانه

ارگان‌های سرکوبگر نظام، کافی نیست تا سازمان‌ها و احزاب مدعی تغییر جامعه نابرابر، دست به کار شوند و اعتراضات کارگران و دیگر توده‌های ستم‌دیده را حول سیاست‌های معین و روشن سازمان دهند؟ و خلاصه و مهم‌تر از همه این‌ها تا چه زمانی، و یا تا چند دهه‌ای، کارگران و زحمت‌کشان می‌باید، در صف انتظار بمانند، تا "سازمان‌ها" و "احزاب" کمونیستی، از خواب بی‌وظیفگی و بی‌دخالگری بیدار شوند و حضور یابند؟ خسران‌ها و هزینه کردن چهار دهه، از جانب کارگران و زحمت‌کشان در مقابل صاحبان تولیدی و دیگر ارگان‌های سرکوبگر نظام کافی - نبوده و - نیست، تا سازمان‌ها و احزاب، به خود آیند و به جای برگزاری کنفرانس‌ها و اتحادهای بی‌محتوا و جنجال برانگیز، سازمان و حزب متناسب با نیازهای میلیون‌ها انسان دردمند را پای ریزند؟ و ...

نزدیک به چهار دهه آزرگار است که، کارگران، زحمت‌کشان و دیگر توده‌های ستم‌دیده، یکتنه و آن‌هم بدون حمایت همه‌جانبه و عملی "سازمان‌ها و احزاب" پرولتری در میدان‌اند و علی‌رغم محدودیت‌های متفاوت، نظام را به نبرد فرامی‌خوانند، در مقابل، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هم، بهمدت چهار دهه است که خلق ستم‌دیده‌گرد را به انحای گوناگون مورد توهین، تحقیر و سرکوب قرار می‌دهند. این سیمای حقیقی جامعه‌ایست که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، به میلیون‌ها انسان رنج‌دیده و دردمند تحمیل نموده‌اند و مسلم است که چنین نگاهی، یعنی اعلان ناپختگی و یا نارسایی اعتراضات کارگری و توده‌ئی، خلاف نگاه مارکسیست - لنینیستی، و همچنین بدفهمی از انجام وظایف کمونیستی و آن‌هم به‌عنوان پیشروان جنبش‌های کارگری و توده‌ئی‌ست. نظام کارگران را به‌وحشیانه‌ترین شکل ممکنه استثمار، سرکوب و در ملاءعام به تازیانه می‌بندد و «صلاح مازوجی»، به‌جای تعمق بیش از این، و به‌جای پاسخ‌گویی به ناکرده‌های "حزبی" اش، و به‌جای جواب‌گویی عملی به نظام جنایت‌کار جمهوری اسلامی، فرمان توقف اعتراضات کارگری و توده‌ئی را صادر می‌کند و مهم‌تر از همه این‌ها، از نامادگی "سازمان‌ها" و "احزاب" کمونیستی حرف می‌زند!!

حکایت عجیبی‌ست و وظایف کمونیستی با وظایف جنبش‌های کارگری و توده‌ئی جابه‌جا شده است. از منظر «صلاح مازوجی» نیروی محرکه سازمان‌های انقلابی و کمونیستی مردم به حساب آمده - و می‌آیند و در این‌وسط، هدایت‌گران کارگران و توده‌ها هم، خود را در پشت درهای انقلاب محبوس نموده‌اند و در انتظارند تا زنگ جنبش‌های هم‌گانی و آن‌هم به گستردگی دوران قیام پناه و هفت نواخته، وارد کارزارهای مبارزاتی شوند! برآستی که کدامین منطق کمونیستی از چنین مندی پیروی می‌نماید و بر این نظر است که، کار و بار جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ئی، جمع و جور کردن اوضاع نابسامان و در هم ریخته احزاب و سازمان‌های کمونیستی‌ست؟

انصافاً «صلاح مازوجی»، با طرح چنین مواردی نشان داده است که حال و هوای "حزب" متبوعش، و آن‌هم به‌عنوان اپوزیسیون، حال و هوای سر و سامان دادن جامعه سراسر خفقان‌زده و سرکوب، و همچنین رفع و رجوع زندگی از هم پاشیده و فنا شده کارگران و توده‌های محروم نیست؛ نشان داده است که درد اپوزیسیون، درد مردم نیست و فکر و ذکرشان، تداوم مشغولیت‌های سیاسی از جمله اتحادهای رنگارنگ و برگزاری کنفرانس‌های بی‌مایه و کم‌سو است؛ نشان داده است که نقش اپوزیسیون مدعی تغییر، نه سمت‌وسو دادن جنبش‌های اعتراضی و به‌عقب راندن ارگان‌های حافظ بقای سرمایه در درون جامعه، بلکه فراهم نمودن بیش از پیش حیات نظام سراسر فاسد و سرکوبگر است.

خلاف نظر «صلاح مازوجی» باید گفت که هرگونه تأخیر، کم‌کاری و یا سنگ‌اندازی در مرحله سرنوشت‌ساز و دوران انقلابی، چیزی جز فرصت‌سوزی‌های دیگر و همچنین به‌درد دادن بیش از این زندگی تباہ شده میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش نیست. شکی در آن نیست که دلیل ماندگاری رژیم، در ضعف طولانی‌مدت اپوزیسیون سالم و چپ است. به عبارت دیگر باید تأکید نمود که دوره‌های انفجاری و سرنوشت‌ساز، همیشگی نخواهد ماند و وظیفه هر نیرو، سازمان و

حزب کمونیستی‌ست، تا از فضای به وجود آمده و موقعیت‌های سرنوشت‌ساز، به نفع کارگران، زحمت‌کشان و همهٔ محرومان استفاده کند و بیش از این، اجازه ندهد تا نظام به حیات ننگینش ادامه دهد. می‌باید دوران انفجاری را از درون ترکاند و دودمان نظام را سوزاند.

در ادامه، زمانی‌که اعلام می‌گردد: "جامعهٔ ایران بار دیگر آبهتن یک تحول سیاسی سرنوشت‌ساز شده است، و وضع کنونی قابل دوام نیست. و یا این‌که جمهوری اسلامی در ذهنیت بخش عظیمی از جامعهٔ ایران تمام شده و مسألهٔ جایگزینی آن به دستور روز بدل شده است" (در کنفرانس ستکلهم)، بنابراین طرح مسائلی همچون، نارسائی جنبش‌های کارگری و توده‌ئی، نمی‌تواند معنادار و یا معتبر باشد.

تاب و طاقت مردم، دهه‌های طولانی‌ست که به سر رسیده است، بحران اقتصادی و ناتوانی در تهیهٔ مایحتاج اولیهٔ زندگی، کمرشان را خرد کرده است. میلیون‌ها کودک به‌دلیل نداری والدین‌شان، قادر به فراگیری تحصیل نیستند؛ فارغ‌التحصیلان این‌روزها، در پی کارهای کاذب و بی‌آینده‌اند و هرگونه مطالبهٔ مسالمت‌آمیز از جانب قربانیان نظام امپریالیستی، برابر با دستگیری، شکنجه و سرکوب است. متأسفانه چنین روند و پروسه‌ای به امری پیش‌پا افتاده تبدیل شده است، در این میان مردم و آن‌هم بدون حمل کمترین وسیله‌ای، برای درخواست‌های اولیهٔ‌شان به‌پا می‌خیزند. این خاصیت جامعهٔ طبقاتی‌ست، پس بالائی‌ها، نیازی به بهانه‌جویی در تعرض به پائینی‌ها ندارند. چرا که سرکوب جز ذاتی رژیم‌های خشن و هاری همچون رژیم جمهوری اسلامی‌ست. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در عمل نشان داده‌اند که به‌هیچ صراطی مستقیم نیستند و با هیچ‌نوع تظاهرات و اعتصابات و آن‌هم به‌هر درجه و میزانی، سر سازگاری ندارند. در حقیقت خواست باطنی سردمداران نظام، اطاعت و فرمان‌برداری بی‌چون و چرای مردم است، به‌طور قطع، این مردم نیستند که سیاست سرکوب را به سردمداران نظام تحمیل و یا دیکته می‌کنند، بلکه این سرشت رژیم جمهوری اسلامی‌ست که این‌گونه در مقابل بدیهی‌ترین خواسته‌های کارگران و زحمت‌کشان عکس‌العمل نشان می‌دهد. بر همین اساس نمی‌توان و یا صحیح نیست، تا ناآمدگی‌های خودی را، به‌حساب غیر آمدگی جنبش‌های کارگری و توده‌ئی نوشت، یا این‌که، گستاخ‌تر شدن رژیم را، در رادیکالیزم‌تر شدن اعتراضات و مبارزات میلیون‌ها انسان دردمند مربوط دانست.

خلاصه درست است که جامعه دچار بحران و به‌مرحله انفجاری و سرنوشت‌ساز نزدیک شده است، به‌موازات آن‌ها، درست هم نیست که جنبش‌های کارگری و توده‌ئی را، از روند حقیقی‌اش باز داشت و آنان را، پشت درهای انقلاب و آن‌هم تا زمان آمدگی اپوزیسیون محبوس نمود. خلاف نظر «صلاح مازوجی» ایراد اساسی، در بی‌حضور و در عدم دخالت‌گری نیروی سوم است. بدین‌سبب نیاز است تا در درجهٔ نخست، دلایل ناموفقی حزب خودی را با صراحت تمام برشمارد، و در ثانی چگونگی راه برون‌رفت از آن را نشان داد، به‌دنباله پیش‌قدم حرکات ثمربخش و بسیج‌کننده شد. علاوه بر همهٔ این‌ها، باید اشراف داشت که ورود به هرگونه بازی و مشغولیت سیاسی همچون اتحاد‌های بی‌محتوا، پاسخ‌گوی شرایط ناهنجار کنونی جامعه نیست. چرا که این‌نوع اتحاد‌ها - و آن‌هم در عمل -، امتحان خود را پس داده‌اند و تاریخ مصرف‌شان به سر رسیده است. صدها اتحاد ریز و درشت در این چندین دهه، بر روی کاغذ آمده است و نه تنها هیچ‌یک از آنان، کمکی به اعتراضات کارگری و توده‌ئی نکرده‌اند، بلکه باعث اغتشاشات هر چه بیشتر، در درون و بیرون شده است. باید دانست که پیش‌رفت هر کنفرانس و یا اتحادی، نیازمند تصفیه حساب‌های درون حزبی - سازمانی‌ست؛ باید آگاه بود که نمی‌توان با ادامهٔ نظرات و متدهای تکراری و فاقد اعتبار، بر کمیت و بر کیفیت سازمان و یا حزب خودی افزود. به این سبب که شاخصه‌های کار کمونیستی و انقلابی روشن است و بدون کمترین تردیدی، باید

اذعان نمود که انتخاب سیاست‌ها و روش‌های تابه حال، در خدمت به حل مبارزه طبقاتی و همچنین بسیج کارگران و زحمت‌کشان نخواهد بود.

۱۲ اکتوبر ۲۰۱۸

۲۰ مهر [میزان] ۱۳۹۷